

باورهای نادرست درباره ی ازدواج



بعضی از مردم به اشتباه تصور می کنند ازدواج می تواند مشکلات و بیماری های روانی را درمان کند. این باور به شدت اشتباه است. هیچ یک از بیماری های روانی با ازدواج درمان نمی شوند. ازدواج شفا نیست. این عده به شدت از این نکته ناآگاهند که ازدواج یک امر پس در حد متوسط است. افراد عادی نیز پس از ازدواج تا حدی دچار مشکل می شوند و اذیت و آزار حاصل معمول زندگی خود را از دست می دهند و مدتی طول می کشد تا بتوانند با این امر پس سازگار شوند. در همین رابطه باور دیگری وجود دارد که ازدواج باعث افزایش مسئولیت پذیری می شود. این باور نیز غیبه باور باطلست که عده ای از مردم تصور می کنند می توانند با اشتباه از ازدواج فردی را که مسئولیت پذیر نیست به فردی مسئول تبدیل کنند. در این رابطه باید دانست ازدواج وسیله ای برای تکمیل رفتار انسان نیست.

همین باورهایی هم بعضی از عده ناآگاه می کنند که در آخر تجربه مستقیم یا غیر مستقیم افراد و به خصوص افراد خسته نیست. این افراد نیز اغلب به عشق و به اشتباه با مشکل یا دیگری داشته اند و بعد گرفته اند. اشتباهات خود را چنان کنند خود ممکن است موارد سوء استفاده قرار گیرند. نکته مهم آن است که افراد و چنان اشتباهات خود به تنها به ارتباطات با و به خصوص ازدواج داشته نمی اند. نکته دیگر سفر است و تأمین کننده امنیت و رفاهیت است. ازدواج می باشد. نکته دیگری و مهم آن است که اتفاق بسیاری از ازدواج ها به این دلیل با مشکل روبرو می شود. افراد باور ندارند که اشتباهات خود را بشناسند.

باید محبت خود را نشان دهی، نباید طرف مقابلت جدید که دوستی داری، چون آن وقت سوء استفاده می کند. بعضی افراد که امکان ازدواج با افراد متعددی داشته اند و به خصوص افرادی که خواستگاران متعددی داشته اند، با پسری که انتخاب های زیادی داشته اند، پس از ازدواج به ویژه هنگامی که با همسرشان مشکل پیدا می کنند، این فکر به سراغشان می آید که اگر با دیگری ازدواج کرده بودند این مشکل پیش نمی آمد. نکته این فکر، استغناء حسرت و پشیمانی است که باعث می شود فرد نسبت به زندگی مشترک، خاسر و بی علاقه شود. حقیقت آن است که احتمال مشخص نیست اگر این ازدواج صورت نمی گرفت، و او با شخصی دیگری ازدواج می کرد، چنین مشکلاتی پیش نمی آمد. این فکر از استغناء خاسته است و هر ازدواجی مشکلات خاص خود را دارد.

هر سه دیدگاه بالا بسیار افراطی و نامانی از کلی سازی مسائل می باشند. معمولاً این دیدگاه ها در اثر تعارض باخودشان یا بی ایجاد می شود. معمولاً این افراد با مستقیماً تعارض باخودشان در ارتباط با پس مشکلات داشته اند. با به صورت غیر مستقیم مثلاً از طریق نصیحتان اطرافیان ایجاد شده است. چنین تجربه ای داشته اند. در حالی که این دیدگاه های افراطی نادرست اند و نمی توان صحت علمی را به همه مردمان یا همه زنان نسبت داد.



بعضی از افراد تصور می کنند که که زوجین باید در علایق، علایق، نظر افکن، رفتاری آداب و رسوم، خویسته ها و ... کاملاً شبیه یکدیگر باشند و اگر تفاوتی بین زوجین وجود داشته باشد، رابطه عدم موفقیت آنان در ادامه زندگی مشترک است. حقیقت آن است که انسان ها متفاوتند. حتی افراد دوقلوی یکسان هم با یکدیگر تفاوت دارند. به رسمت به دو انسان از دو جنس متفاوت و با زمینه های فرهنگی، رفتاری و خانوادگی کاملاً متفاوت، بنابراین طبیعی است که زوجین با یکدیگر تفاوت داشته باشند. مهم آن است که بدانند با این تفاوت ها و اختلافات چگونه با یکدیگر زندگی کنند که کمتر دچار مشکل یا بحرانی شوند.

زن و شوهر باید کاملاً شبیه هم باشند. بعضی از دختران با این فکر فکر وارد زندگی مشترک می شوند که همسرشان باید همه خویسته های آنان را تأمین کند. آنان را به آرزوها و خواسته هایشان برساند و عشق همه جانبه ای را در زندگی آنها ایجاد کند. چنین انتظاراتی بسیار غیر منطقی و افراطی است. زن و شوهر هر دو متعلق می کنند تا زندگی بهتری برای یکدیگر ایجاد کنند. وظایف زن و شوهر متقابل است.

بعضی افراد تصور می کنند که زوجین باید همه مسائل زندگی خود را از گذشته های دور و نزدیک به یکدیگر بگویند. حتی مسائلی که ارتباطی به آینده رابطه ندارد و حتی از طرف مقابل قابل نمی کنند. این باور به اندازه ای در میان مردم رواج دارد که اگر فردی گفته ای از زندگی اش را که کاملاً تمام شده و دیگر ربطی به مسائل کنونی ندارد، به طرف مقابل بگوید استغناء گاه می کنند. پھر است آنچه را که تمام شده و ربطی به زمان حال ندارد به همسرشان بگویند. مثل آن که به خواستگاری چه کسی رفته بودید چه کسانی به خواستگاری شما آمده بودند. یا چه کسانی دوست بوده اند. به چه کسانی علاقه مند بوده اند و مسائلی از این قبیل این قبیل اطلاعات به غیر از آن که باعث خصمیت طرف مقابل خود هیچ فایده ای ندارد. پھر است شما هم در مورد زندگی باخودتان گذشته همسرتان گفتنی و مستحق تکرار.

کافی اوقات زوجین باور دارند که پس از ازدواج باید کاملاً تمام برنامه های آنها به صورت مشترک باشد و زمانی را برای اوقات شخصی و خصوصی برای یکدیگر قائل نیستند. این نظر فکر اشتباه است. زن و شوهر در عین حال که اوقات را با برنامه های مشترک و با یکدیگر می گذرانند، به اوقات شخصی و خصوصی نیز احتیاج دارند.

بعضی هم از دیدگاه بسیار رابطه ای نسبت به ازدواج دارند و آن را نوعی محدود شدن آزادی های خود می دانند. معمولاً این باور در میان مردان بیشتر دیده می شود. حقیقت آن است که این دیدگاه بسیار افراطی است. اگر چه پس از ازدواج زوجین آزادی های خود را از دست می دهند و به آزادی آنها تغییر می کند. ولی در حقیقت نیست که محصور شوند. تمام فعالیت ها و تفریحات خود را کنار بگذارند.

بعضی از افراد ازدواج را نوعی برای سعادتمند شدن می دانند. این عده تصور می کنند با ازدواج همه مشکلات به پایان می رسد و بعد از آن مشکل دیگری در زندگی نخواهند داشت. به همین دلیل این عده کسانی که با استرس ازدواج روبرو می شوند بسیار واکنش های شدیدی از خود نشان می دهند. زیرا برخلاف تصور آنان نه تنها مشکلات پایان نیافته بلکه گاهی شدیدتر هم می شود. آنان اوقات این عده شروع به سرزنش و مقصر دانستن همسر و خانواده وی می کنند و تصور می کنند به علت رفتارهای نامناسب با شمع آنان است که ازدواج آنها با چوخی پشلی و سعادتمند کامل همراه نبوده است.



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مجمع آموزش عالی بو
اداره مشاوره و سلامت روان